

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"
ششم نومبر ۲۰۱۴

شکوه از که؟؟؟

این مطلب، یعنی فیصله وکلای ولسی جرگه در کابل، به منفعت شخصیشان مبنی بر معاش دایمی بعد از اختتام دوره وکالت، که خیلی پر سروصدا، هنگامه ساز و در حقیقت برای همه تعجب آور بود، عکس العملهای زیاد در برابر خود داشت، که با نفرت و انزجار اکثریت قاطع مردم روبرو گردید. من نیز مطلبی نوشتم، اما نسبت علالت مزاج، در همان فرصت به دست نشر سپرده نشد. اینک عین موضوع را تقدیم علاقه مندان مینمایم.

من که خود تاریخ زنده و شاهد عینی هفتاد سال اخیر در وطن میباشم و فراز، نشیب، تلخ و شیرین های زیادی دیده ام، وکلایی با این دیده درائی، نفسانی، خودپرست، قاچاقبر، استفاده جو، در جان ملت بزن (با ابراز معذرت از تعداد معدودی از وکلای وطنپرست، حاکم بر نفس)، مرتبط با باندهای مختلف مافیایی، چون وکلای فعلی در ولسی جرگه ندیده ام. فیصله اخیر، کاملاً عندی و شخصیشان که نمونه شرم آور استفاده جوئی از اعتماد مردم شریفی ست که به ایشان رای داده اند و زمینه نشستن بر کرسی که میتوانند از نام شریف ملت افغان استفاده های سوء بکنند، مهیا ساخته اند. مردم شریف ما که همیشه بازنده بوده اند، اینک در برابر وکلایی خیلی بازاری و هرزه قرار گرفته اند، که جز منفعت شخصی و خانوادگی دیگر خیالی در سر ندارند. شرم آورترین عملشان، تصمیم اخیر است که در "خانه ملت" از ملت فراموش کرده و بیمه حیات دایمی خود را از خون همان ملت مظلوم و پاکدل به نفع خود تصویب کرده اند. من این عمل قبیح را مانند دگر قلم بدستان، با پارچه شعری تقبیح میکنم:

یارب! این شکوه از پریشانی ست
شکوه از مردمان جاه طلب
تو، به فریاد ما ضعیفان رس
مردم ما به هر مقام که هست
پختگی نیست در اراده‌شان
گناه آرامشی ست ناموزون
گرمی دوستی نمانده به کس
رنگ برخوردها و رابطه‌ها
"هر کسی" را نظر بیندازی
میمکد خون بیگناهان را
"یار جانی ندیده ام کس را"
نظری کن به خانه ملت(؟)
همه در فکر جیب خویشتن است
غافل از حال ملت مظلوم
ملت ار شد تباه پروا نیست

شکوه از درد نابسامانی ست
شکوه از چهره‌های شیطانی ست
که ترا قدرت جهانبانی ست
گر وزیری و یا که سلطانی ست
سُست عزمی و سُست پیمانی ست
گاه آشفتگی و طوفانی ست
رسم پیوندها ز مستانی ست
نه به رسم و اصول افغانی ست
تیغ در کف گرفته و جانی ست
این نه اسلامی و نه انسانی ست
"همه، یار و برادر نانی ست"
چه خودآرائی و چه خودخوانی ست
قه‌رمانان مست، شهوانی ست
در پی چور عاجل و آنی ست
غم، غم جان یک دو سه جانی ست

یارب این جمع را پریشان کن

که ازو خلق در پریشانی ست

(م. نسیم "اسیر" - فرانکفورت، ۱۵ جولای ۱۴۰۶ ع)